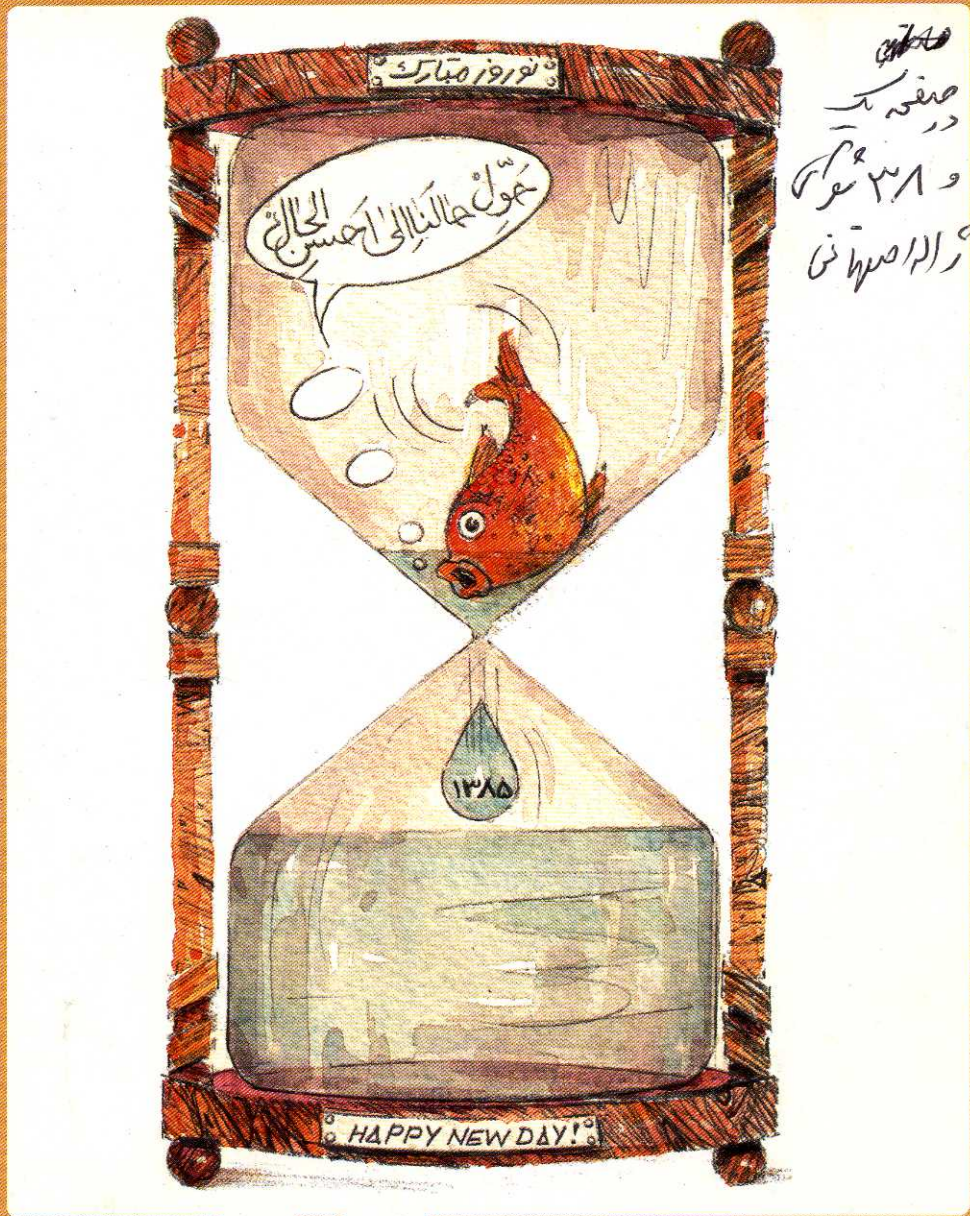


۱۱۸-۱۱۹

۱۹



صفحه  
در  
۲۱  
ر. ا. ص. ن.

طرح دیگری از نوروز برای این سالهای بی نوروز

کاوه kaweh

**Kaweh**

Postfach 750179 · 81331 München · DEUTSCHLAND

اشاره:

طرح استاد آذری برای شماره ی نوروز کاوه که می بایست با طرح هنرمند گرامی و ارجمندان زمان زمانی در پشت و روی جلد نوروزی بیاید در پستخانه گم شده بود، همانند نوروزهای ما در این سالهای سیاه!...  
از استاد خواستیم ما را بی نصیب نگذارند و بار دیگر چشمان ما را به آنچه پرداخته اند، روشن سازند. چه زیان دارد که این شماره را نیز با طرح نوروزی استاد و شعر زیبا و رسای ژاله ی عزیزمان زینت بخشیم و به عاملان تباهی و سیاهی ایران بگوئیم:

توانی آنکه فضا را ز دود تیر کنی  
ولیک عرضه نداری که آفتاب شوی

شورای نویسندگان



### روح سبز بهار

ژاله اصفهانی

از کدامین ستاره پیک بهار،  
به زمین آمده چنین گلبار؟  
که در دشت و باغ و صحرا را،  
از شکوفه ستاره باران کرد؟  
وز درختان ارغوان افروخت،  
مشعل سرخ بر سر کهسار.

چو طبیعت ز نو جوانه کند،  
مرغ رنگین آرزومندی،  
نغمه خوان در دل آشیانه کند.  
یاد دیدارهای یار و دیار  
دل و جان را پر از ترانه کند...

### یاد باد آن همه شکوفایی!

آبشاران دامن البرز  
صبح مازندران،  
شب شیراز.  
گلشن اصفهان نصف جهان،  
یا جهان شد ز اصفهان آغاز؟

می زند جار، روح سبز بهار  
بشکنند آن درخت سبز را،  
که دگر در خور شکفتن نیست.  
از بهاران زمین شده بیدار  
چشم بگشای، وقت خفتن نیست

کار نبوده است تا زیر پای او را خالی کند، خود را از مهلکه رها ندهد است. در اندیشه ی خلق چنین «دستی» باید بود.  
 از موضع یک فرد عادی که به هر روی از تجربه ی بیش از شصت سال زندگی در کوچه پس کوچه های سیاست بی بهره نیست، هر چند به تکرار است ولی ناگزیر، عقیده ی خود بر این زمینه باز می گویم که در این مراحل حساسی که مسأله ی نه فقط آرمان ها از ادیخواهانه ( ولی فرو مانده ) بلکه حیات ملی ما مطرح است، انتظار به « رحمت از بهترین » که شاهدیم چگونه خود تا گردن در مرداب خود ساخته دست و پا می زنند و نیز بستن به افسانه هایی از این دست که « ایران » ققنوسی است فنا ناپذیر - گرهی از کار بسته ما نخواهد گشود و این سهل است گره ها بر گره ها خواهد نشاند. سر انجام باید بر اصل که حاصل تجربه ی تمامی ملت های موفق جهان است، ایمان بیاوریم که آزادی دمکراسی و ماندگاری در خاندان جهانی، نیازمند هزینه گذاری مردمانی است که برخوردار از این نعمت های گران چشم دارند.  
 آری، به باور من حیات و هستی ما هنوز ریشه هایی دارند و از آبی لب تر می کنند و واقعیتی است که: تا ریشه در آب است امید ثمری هست.



ژاله اصفهانی

**صفر**

شما صفرید.  
 صفر هیچ در هیچ  
 که صفر بی رقمی گر صد هزار است،  
 ز یک کمتر بود،  
 زین روی خوار است

رقم!  
 ای معنی صفران کجایی  
 جهاد و جنبش و ایمان کجایی  
 که قومی را ز رخوت وارهانی  
 بر افروزی چراغ قهرمانی.

رقم

